

توصیف تکاپوهای شهید همت برای حمایت از بسیجیان لشکرش می‌گوید: «به همراه حاج همت در سنگر فرماندهی لشکر ۸ نجف مستقر بودیم که خبر رسید درگیری نیروهای ما با دشمن در خط شدید شده. مرتضی قربانی، قائم مقام فرماندهی قرارگاه فرعی بدر، به حاج همت گفت: هر کس را به خط فرستاده‌ایم تا از آنجا خبری بیآورد، برنگشته است. حاجی گفت: مثل اینکه خدا ما را طلبیده. بعد هم سریع سوار ترک موتور معاون یکی از گردان‌های لشکر که در آنجا حاضر بود شد و خودش را به خط رساند. من هم با چند دقیقه تأخیر، به دنبال حاجی وارد خط شدم. در همان لحظات، بار دیگر میان بچه‌های ما و نیروهای دشمن درگیری شدیدی از سر گرفته شد. از یک طرف، هواپیماها و از طرف دیگر نیروهای پیاده و تانک‌های دشمن به نیروهای ما فشار وارد می‌کردند تا خطر را رها کنند. شرایط، شرایط سختی بود. بچه‌ها حین درگیری، قمقمه‌های شان را به آب جزیره می‌زدند و از سر عطش و تشنگی آب آلوده را می‌خوردند. این آب‌ها، آغشته بودند به خون جنازه‌هایی که در اطراف آب افتاده بود. هیچ‌کس جرأت نداشت از سنگر بیرون برود و چند متر آن طرف‌تر، آب تمیز بردارد. حاجی این صحنه را که دید، خیلی ناراحت شد. قمقمه‌های نیروها را جمع کرد و از سنگر بیرون زد. تکه‌ای از بدنه یک پل یونولیتی شکسته را پیش کشید و قمقمه‌ها را روی آن چید. نزدیک ده قمقمه بود. بعد هم خودش روی بدنه شکسته پل رفت و زیر رگبار گلوله‌های دشمن وارد آب هور شد و تا جایی پیش رفت که آب صاف و زلال می‌شد. دقایقی بعد، وقتی برگشت، قمقمه‌ها را پر از آب کرده بود. این کار همت، به همه نیروهای داخل خط جزیره، روحیه داد.»

حمله وحشیانه شیمیایی

از ۱۶ تا ۲۰ اسفند عراق هر چه داشت به میدان آورد تا جزایر را پس بگیرد؛ آتش سنگین هواپیما، بالگرد، تانک، نیروی پیاده و نهایتاً بمب‌های شیمیایی. اما در سوی دیگر، بین رزمندگان ایرانی همه متحد شده بودند تا فرمان فرمانده کل قوا را محقق کنند. ضمن اینکه نبرد مجنون تبدیل به یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های اخبار رسانه‌های جهان شده بود و تمام چشم‌ها به حفظ آنجا از سوی ایرانیان معطوف بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خاطراتش می‌نویسد: «جزایر مجنون شد سمبل قدرت ما و ضعف عراق.» در عین حال، مبارزان شیمیایی، وضعیت وخیمی ایجاد کرده بود، اما ایرانیان مقاومت کردند. افرازم کارش، از محققان و تحلیلگران یهودی امور نظامی که درباره جنگ ایران و عراق بررسی‌های متعددی انجام داده در این باره نوشته: «حفظ جزایر غیرممکن بود اما رزمندگان ایرانی با شجاعت خود توانستند غیرممکن را ممکن و جزایر را حفظ و تثبیت کنند.» تا مدتی حتی به نظر می‌رسید ایرانی‌ها در حال شکستن خط مستحکم دفاعی عراق هستند. اما سرانجام با حملات متعدد ارتش عراق و استفاده وحشیانه آن‌ها از سلاح‌های شیمیایی، گاز اعصاب و گاز خردل، پیشروی ایرانی‌ها متوقف شد اما جزیره مجنون در اسفند سال ۱۳۶۲ با جانفشانی‌های فراوان، حفظ شد.

دستاوردهای خبیر

عملیات خبیر تأثیر بسزایی در روند جنگ داشت. از نظر نظامی، ورود قوای ایران به خاک عراق، تحولی جدید به حساب می‌آمد چراکه جزایر مجنون یکی از مناطق استراتژیک به شمار می‌رفت. روزنامه «فاینشال تایمز» در این زمینه نوشت: «ذخایر نفتی جزایر مجنون حدود هفت میلیارد بشکه تخمین زده شده.» همچنین پدیده نبوغ ایرانی‌ها در عملیات خبیر به گونه‌ای بود که رهبران عراق دست به تلاش‌های متعددی زدند. پس از این عملیات بود که صدام به کشورهای خلیج فارس هشدار داد عراق خاکریز دفاع از آن هاست و اگر این سد فرو بریزد، طوفان در مرزهای خلیج فارس متوقف نخواهد شد. در این عملیات، رزمندگان ایران هرآنچه از رشادت و ایثار در توان داشتند در طبق اخلاص گذاشتند تا تسلط بر جزایر و بخش عظیمی از هور محقق شود. ضمن اینکه به ابتکاراتی نظیر احداث پل و اجرای عملیات آبی - خاکی رسیدند. به این ترتیب ایران در زمستان سال ۶۴ و با استفاده از تجربه عملیات‌های آبی - خاکی خبیر و بدر، اقدام به طراحی و اجرای عملیات «والفجر ۸» کرد. در این عملیات، ایران با رزمندگان غواص توانست از رودخانه بزرگ اروندر عبور کند و خط اول دشمن را بشکند. نیروهای ایرانی طی ۷۵ روز نبرد و مقابله با پاتک‌های سنگین زمینی و هوایی دشمن، توانستند مثلث شبه جزیره فاو را تصرف و ارتباط عراق با دریا را قطع کنند و بر منابع نفتی و تأسیسات مهم عراق در آن منطقه تسلط یابند. این موفقیت‌ها در واقع ادامه رسیدن به تجاری‌تازه بود که بخشی از آن هادر خبیر به دست آمده بود.

متوجه می‌شوند که پیام اشتباه منتقل شده، آن هم درحالی‌که هر چهار گردان در محاصره کامل دشمن قرار گرفته بودند. به همین دلیل فرماندهی جنگ تصمیم می‌گیرد لشکر ۲۷ را در روشنایی روز به دوکوهه برساند، در حالی‌که ارتش عراق از آمدن شان باخبر بود. به همین دلیل یعنی هاطلاییه را با شدت هر چه تمام‌تر، زیر آتش گرفتند و همزمان سراغ چهار گردان خط شکن رفتند. این‌جا بود که یکی از سخت‌ترین صحنه‌های جنگ رقم خورد. فرمانده سپاه اعلام کرد: «افراد باید تا حد فرمانده لشکر بچنگند. حتی اگر سازمان‌رزم سپاه مختل شود.»

حفظ مجنون

هدف عملیات خبیر، رسیدن به جاده العماره - بصره در آن سوی هور بود که این هدف محقق نشد اما جزیره مجنون هنوز در دست نیروهای ایرانی بود. در محور شمال هم نیروهایی که به جاده رسیده بودند، ناچار عقب نشستند تا به جزایر برسند و دست نیروهای تنهامانده را بگیرند. ارتش عراق که در محور طلائییه موفق شده بود، از بازپس‌گیری جزایر مهم مجنون مطمئن بود و در تبلیغات رسانه‌ای اش مدام وعده می‌داد به‌زودی جزایر پس گرفته خواهد شد. به این ترتیب، مجنون محور خبری رسانه‌های جهان شده بود. اگر عراق جزایر را پس می‌گرفت، ثابت می‌کرد به قدرتی رسیده که می‌تواند تمام عملیات‌های ایران را شکست دهد. اما بعد از ظهر روز ۱۴ اسفند از دفتر فرماندهی کل قوا خبری بیرون آمد که جانی دوباره به رزمندگان ایران داد. به فرماندهان جنگ خبر دادند: «امام فرموده‌اند جزایر حتما باید نگه داشته شوند؛ هر طور که شده.» با ابلاغ این پیام به رزمنده‌ها، گویی همه چیز از نو آغاز شد. روحیه رزمنده‌ها متحول شد و قدرت تهاجمی آن‌ها چند برابر. در نتیجه حفظ جزایر تبدیل شد به هدف اصلی رزمنده‌ها و فرماندهان. برای همین بسیاری از فرماندهان قرارگاه هم سلاح به دست گرفتند و به خط مقدم رفتند تا همراه نیروها از جزایر دفاع کنند.

وقتی یعنی هاکم آوردند

شهید احمد کاظمی درباره پیام حضرت امام که روحیه‌ای مضاعف به آن‌ها داد گفته است: «داشتم همین جوری بین خودمان تقسیم کار می‌کردیم که آمدند و پیام‌امام را به ما ابلاغ کردند. قبل و بعدش را البته درست یادم نیست، ولی شور و هیجان و امیدش را کاملاً یادم هست که بچه‌ها انگار زنده کرد. وضع جبهه‌ها عوض شد. عراق آنقدر کم آورد که مجبور شد آب ول کند و جزیره را زیر آب ببرد. همت بدجوری در خودش بود. آن روز آمده بود پیش من، در همان قرارگاه فرماندهی‌اش؛ که سنگری بود ساخته شده از چند تکه الوار و گونی در نزدیک خط مقدم. داشتیم باهمدیگر حرف می‌زدیم که یک خمپاره به سنگر خورد. ابراهیم فقط گفت: «بر محمد و آل محمد صلوات.» بعد هم ساکت شد؛ انگار نه انگار که خمپاره خورده آنجا! همین‌طور نگاهش می‌کردم، از خودم می‌پرسیدم: «چرا این قدر خونسرد شده؟» در واقع پیام امام کاری کرده بود که فرماندهان و رزمندگان، جان برکف پیش بروند و در مقابل هجمه شدید دشمن همچنان بایستند.

آب‌هایی آغشته به خون شهید

این عملیات همراه بود با گذشت و ایثار و فداکاری و جانفشانی‌های فراوان دلاورمردان غیور ایرانی. جعفر جهروتی‌زاده، فرمانده گردان تخریب لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، در



تحلیلگر یهودی جنگ ایران و عراق:

ایرانی‌ها غیرممکن را ممکن کردند!

سه مروری به اتفاقات عجیب، ابتکارات و جانفشانی‌های رزمندگان ایران در جزایر مجنون به مناسبت سالگرد عملیات «خبیر»

📌 **شهروند** روز گذشته مصادف بود با یکی از مهم‌ترین عملیات‌های تاریخ سال‌های دفاع مقدس. سوم اسفند سال ۱۳۶۲ عملیات «خبیر» با رمز «یا رسول‌الله» آغاز شد. در شب و روز اول عملیات در محور شمالی، نیروها به جاده العماره - بصره رسیدند. در مرحله بعد گروهی از نیروها می‌بایست از میان هور به جزایر مجنون حمله می‌کردند و باقی از طلائییه که تنها راه خشکی منطقه شمالی عملیات بود. عملیات در این محور یک روز به تأخیر افتاد و نیروهای هور از این تأخیر باخبر نشدند و خود را به جزیره جنوبی رساندند. حالا باید نیروهای طلائییه از آنها حمایت می‌کردند ولی نیروهای برای حمایت از جنوبی‌ها نبود. به این ترتیب نیروهای محور طلائییه به جای شب در روز حرکت کردند تا خود را به آن‌ها برسانند. به این ترتیب عراقی‌ها هر چه نیرو و آتش در توان داشتند بر طلائییه متمرکز کردند تا این گروه به جزیره جنوبی نرسند. آن‌ها می‌دانستند اگر راه باز شود، کار تمام است. به همین دلیل استفاده گسترده از حملات شیمیایی را آغاز کردند. این اقدام چنان بود که بعدها محققان تاریخ جنگ و شاهدان عینی عنوان کردند تا آن روز عراق با چنین ابعاد گسترده‌ای از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکرده بود. هرچند در دیگر سو، رزمندگان ایرانی لحظاتی ناب از تاریخ جانفشانی و از خودگذشتگی را به نمایش گذاشتند. در این عملیات چهره‌هایی نظیر حاج ابراهیم همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله و حمید باکری، معاون لشکر ۳۱ عاشورا، به شهادت رسیدند. همچنین در خلال عملیات خبیر و در پی برخورد ترکش بود که شهید خرازی، دست راست خود را از دست داد. در گزارش پیش رو نگاهی داریم به وجوه مختلف این عملیات؛ از خلاقیت‌های خیره‌کننده رزمندگان ایرانی در این عملیات و تحسین جهانیان گرفته تا اشتباهی که منجر به نرسیدن نیروهای پشتیبانی شد. این گزارش مستند است به کتاب «تاریخ جنگ ایران و عراق» نوشته جعفر شیرعلی‌نیا.

طولانی‌ترین پل شناور جهان

ساخت پل خبیر توسط جهاد سازندگی و ماشین‌سازی اراک، یکی از نقاط درخشان عملیات خبیر بود. این پل برای وصل کردن ساحل شرقی هورالهبویه به جزایر مجنون در مدت ۷۵ روز ساخته شد. پل خبیر با ۶ متر طول و ۲۵۰۰ قطعه و اسکلت اصلی آن که از تیراهن نمره ۱۴ بود، به صورت لانه زنبوری و با استفاده از فوم ساخته شد. در دوطرف پل هم برای اینکه تحمل بار بیشتر شود، دو بال زده شد. این پل با ۱۴ کیلومتر طول، یکی از طولانی‌ترین پل‌های شناور در تاریخ نظامی جهان بود که پایداری زیادی در مقابل بمباران داشت. خبرگزاری فرانسه در روز سوم فروردین ۱۳۶۳ با اشاره به پل خبیر نوشت: «نتیجه نبرد جزایر مجنون هر چه باشد، ناظران عقیده دارند تاکنیک‌های نظامی ایران از نظر جسارت و شهامت طوری بود که در آینده بارها از آن‌ها استفاده خواهند کرد. نیروهای ایرانی پلی ۱۳ کیلومتری مثل قایق شناور ساخته‌اند که جزیره شمالی را به مرز ایران وصل می‌کند. استفاده از پل قایقی با چنین طولی در تاریخ نظامی مدرن بی‌سابقه است.»

دوشنبه شب یا شب سه‌شنبه؟

در مقدمه گزارش اشاره کردیم که بخشی از نیروها می‌بایست از میان هور به جزایر مجنون حمله می‌کردند و باقی از طلائییه که تنها راه خشکی منطقه شمالی عملیات بود. در واقع این نیروها هم‌زمان باید حرکت می‌کردند اما در همین مقطع، موضوعی عجیب پیش آمد. ماجرا از این قرار بود که فرماندهان قرارگاه تصمیم گرفته بودند یک شب حمله را به تأخیر بیاورند. آن‌ها فردی را می‌فرستند تا به مهدی باکری و احمد کاظمی که فرمانده نیروهای حمله‌کننده بودند، زمان حمله را اطلاع دهد. این فرد هم می‌گوید «عملیات، شب سه‌شنبه است؛ منظور این فرد شام سه‌شنبه بوده اما آن فرماندهان گمان می‌کنند منظور او همان شام دوشنبه یعنی «شب سه‌شنبه» است. در واقع گمان کردند

مقصود همان قرار اول است و تصمیمی بر تأخیر گرفته نشده. به دلیل حساسیت‌های اطلاعاتی، استفاده از بی‌سیم برای چک کردن دوباره نیز ممکن نبود، چراکه نیروهای اطلاعاتی عراق از موضوع باخبر می‌شدند. به این ترتیب رمز عملیات‌ها خوانده و حرکت آغاز شد. فرماندهان هم کاملاً احتیاط کردند تا عملیات از طریق بی‌سیم، لو نرود. چهار گردان خط شکن از جزایر مجنون در هورالعظیم حرکت کردند، درحالی‌که لشکر ۲۷، ۲۵ کیلومتر دورتر، در پادگان دوکوهه باقی مانده بود تا فردا شب به خط بزنند. در واقع چهار گردان خط شکن به هدف رسیدند درحالی‌که خبری از نیروهای لشکر ۲۷ نبود.

